

گشتالت در طراحی پلان باغ ایرانی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۳/۰۷/۲۸

نسیم غلامی رستم^۱

محمد رضا بمانیان^۲

مجتبی انصاری^۳

چکیده

نظریه گشتالت از جمله مکاتب تأثیرگذار در قرن بیستم است که به معماری وارد شده است. با توجه به شیوه متفاوت توجه به ادراک در این مکتب، در بسیاری از مقالات به لزوم بررسی این سیستم ادراکی و نحوه عمل آن در طراحی توجه شده است؛ اما بیشتر آن‌ها در حد بررسی مبانی نظری گشتالت هستند و به حضور این مکتب در طراحی باغ‌های ایرانی توجه نکرده‌اند. به این ترتیب، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان با این نظریه باغ‌های تاریخی را تحلیل نمود. برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا نظریه گشتالت و رابطه آن با مفاهیم معماری منظر و سپس ظرفیت‌های آن در تحلیل باغ‌سازی ایرانی مورد مطالعه قرار گرفت. چپستی نظریه گشتالت، مفاهیم آن و معیارهای حاصل از این مفاهیم در تحلیل باغ‌های تاریخی پرسش‌های اصلی این پژوهش هستند. برای پاسخگویی به پرسش‌ها در حوزه نظری، روش تحقیق استدلال منطقی و بررسی نمونه موردی به کار گرفته شد. در نهایت، مفاهیم مربوط به این نظریه در طراحی پلان چند باغ از دوره‌های تاریخی متفاوت ایران برای نمایش میزان گستردگی کاربرد این نظریه در باغ‌های ایرانی بررسی شد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهند با اینکه سال‌ها از ظهور نظریه گشتالت می‌گذرد، همواره کاربرد داشته و به خوبی می‌تواند در حوزه معماری منظر استفاده شود. همچنین به کمک مفاهیم نظریه گشتالت، جنبه‌های ناپیدای معماری منظر ایرانی بازساخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: نظریه گشتالت، معماری منظر، باغ ایرانی.

مقدمه

«سرآغاز مطالعه در فرایند طراحی، به اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در اروپا بازمی‌گردد. طراحی برمبنای پژوهش، در سال‌های نخستین بر این باور استوار بود که ذات فرایند طراحی تا حدود زیادی مستقل از ویژگی‌های موضوع آن است و براساس این باور، طراحی در همه زمینه‌ها دارای فرایندی مشابه است. باوجود این مطلب، مدل گونه‌شناختی نظریه‌های طراحی در معماری می‌تواند در زمینه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد که در این میان، در رابطه با پیوستگی علوم رفتاری در طراحی، می‌توان به نظریه‌های اثباتی و نظریه‌های محتوایی اشاره کرد» (شهیدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲).

«لغت "تئوری" برگرفته از کلمه لاتین "theoria" و کلمه یونانی "theoros" به معنای "بیننده، فرستاده و نماینده" می‌باشد. اساس آن "theasthai" به معنای "به بالا نگاه کردن، تفکر کردن" است. لغت تئوری در زبان انگلیسی به معنای مفهوم یا طرح ذهنی از چیزی است که قرار است صورت گیرد یا یک روش انجام آن و یا یک بیان سیستماتیک از قوانین یا قاعده‌هایی است که باید در جریان انجام آن عمل پیروی شود. این موضوع که تئوری «چیزی است که عمل را هدایت می‌کند» می‌تواند به‌عنوان یک فرض اساسی در دنیای معماران در نظر گرفته شود. تئوری موجب پرورش ایده‌ها و اصطلاحات فنی مورد استفاده در بحث درباره اثر معماری نیز می‌شود. چیزی که ما می‌توانیم بسازیم به طبیعت ایده‌ها و کلمه‌هایی که از آن‌ها برای توضیح کارمان استفاده می‌کنیم بستگی دارد. به همین سبب وظیفه ضروری و مهم تئوری کشف، ارائه و بهره بردن از پیشنهادات برای ایده‌های جدید است» (Miller, 2011: 1).

پیشینه تحقیق

درزمینه تئوری‌های مهم معماری، به‌ویژه تئوری گشتالت، نظریات زیادی مطرح شده است (مقاله «روانشناسی گشتالت» نوشته الهام برقی و «کاربرد نظریه گشتالت در هنر و طراحی» به‌کوشش طاهر رضازاده)؛ اما در حوزه معماری تاریخی ایران تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام نشده است و این مسئله حل‌ناشده است که آیا می‌توانیم به کمک این نظریه، باغ‌های تاریخی را تحلیل کنیم.

روش تحقیق

برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده و رسیدن به اهداف مورد نظر، در حوزه نظری، روش تحقیق «استدلال منطقی» و در حوزه تحلیل نمونه‌های موردی، روش تحقیق «موردپژوهی با استفاده از راهکارهای ترکیبی» را به کار می‌بریم. از تکنیک‌های توصیفی-تحلیلی برای تبیین موضوع استفاده می‌کنیم. رویکرد پژوهش، آزمون نظریه است که در چند نمونه موردی صورت می‌پذیرد. روش گردآوری اطلاعات شامل استفاده از منابع مکتوب، اسناد تاریخی و پایگاه‌های داده‌های علمی است.

اهداف و سؤال‌های تحقیق

درزمینه تحلیل معماری و باغ‌سازی سنتی ایران پژوهشی کاربردی ارائه نشده است؛ بنابراین، دستیابی به شناخت نظریه گشتالت، درک رابطه آن با مفاهیم معماری منظر و تحلیل ظرفیت‌های نظریه گشتالت در تحلیل باغ‌های ایرانی، از اهداف این نوشتار به‌شمار می‌روند. برای رسیدن به اهداف مطرح‌شده می‌کوشیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

- نظریه گشتالت چه مفاهیمی را تبیین می‌کند؟
- این مفاهیم چه معیارهایی را برای تحلیل باغ‌های تاریخی ارائه می‌دهند؟

- در تحلیل باغ‌های تاریخی براساس نظریه گشتالت، بر چه ابعادی بیشتر تأکید می‌شود؟

در خود آن عناصر موجود نیست [...] این نکته در عبارتی بدین شکل جمع آمده است: کل، چیزی بیشتر از مجموع اجزایش است» (رضازاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

مفهوم گشتالت

«درک روان‌شناسی گشتالت عبارت است از درک مفاهیم مرکزی آن که درمیان مفاهیم اصلی، گشتالت و میدان (field) را می‌توان نام برد. کلمه آلمانی گشتالت در انگلیسی به قالب، هیئت و ساختار، شکل یا الگو ترجمه شده است. مکتب گشتالت اولین حرکت روان‌شناختی آلمان، بر مبنای روش آزمایش بود. استدلال اصلی آن‌ها این بود که حقایق روان‌شناختی «از ذرات ایستای نامربوط تشکیل نمی‌شود» و لذا مطالعه آن‌ها نیازمند شیوه کل‌گرا است. آن‌ها عقیده داشتند که ادراک، ترکیب نامتشکلی از عناصر نیست که به‌طور متوالی به‌صورت مفاهیمی معنیدار در ذهن با هم پیوستگی داشته باشند؛ بلکه ادراک را کلیتی منسجم و متشکل از یک هیئت (configuration) یا یک گشتالت می‌دانستند» (برقی، ۱۳۸۸).

«گشتالت بیانگر روشی است که طبق آن اشیا «گشتالت» یعنی جاگذاری و کنار هم چیده میشوند. کپس، نویسنده کتاب زبان تصویر، معتقد است که گشتالت کلیتی است مادی، روانی یا نهادی، دارای مختصاتی که اجزای آن به‌طور منفرد، فاقد چنان مختصاتی هستند. نظریه گشتالت فرایندهای ادراکی مغز را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بیانگر آن است که اصل عملی ذهن، کلنگر، موازی و همراه با تمایلات خود سازمان یافته (فطری) است؛ به این مفهوم که در ادراک یک مجموعه یا ساختار، همان‌طوری که اهرن فلس می‌گفت و ورتایمر نیز آن را اثبات کرد، کل ساختار است که دریافت میشود و نه تک‌تک اجزای آن. تفکر عمده در نظریه گشتالت این است که نقش مایه‌های کلی، بر عناصر تشکیل‌دهنده‌شان برتری می‌یابند و خواصی را دارا هستند که ذاتاً

گشتالت اصولی دارد که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

روابط شکل و زمینه

«در یک تصویرپردازی، آنچه قابل تشخیص است و بیشتر به آن پرداخته می‌شود شکل و مابقی زمینه نام دارد. دو نکته حائز اهمیت است: اول آنکه همواره زمینه، همان پس‌زمینه نیست و در مواردی میان این دو تفاوت‌هایی وجود دارد؛ دوم آنکه در مواردی تشخیص میان شکل و زمینه چندان هم آسان به‌نظر نمی‌رسد (اشکال دوهویتی). این اشکال، اشکالی هستند که در آن‌ها شکل و زمینه به‌طور مداوم جای خود را عوض میکنند؛ زیرا دارای خصوصیات و امکانات مشابه هستند. در این اشکال، تعیین آنکه کدام را اول می‌بینیم بسیار دشوار است. درحقیقت میتوان گفت که هر دو را با هم می‌بینیم؛ از این‌رو، شکل و زمینه رابطه تنگاتنگی با هم دارند» (همان، ۳۶-۳۴).

«ما زمینه و پس‌زمینه را در یک میدان دید تشخیص می‌دهیم. هر شیء مات می‌تواند دید ما از شیء دیگر را محدود کند؛ در اغلب موارد شیئی که محصور میشود کوچک‌تر از شیئی است که شکل کوچک را محصور می‌کند، مانند زمانی که یک درخت درمقابل آسمان، یک قایق درمقابل آب یا یک گروه از اشیاء درمقابل سطح یک میز که روی آن قرار گرفته‌اند دیده می‌شوند. براساس تعریف، یک زمینه باید در سطح گسترده شده باشد (اگرچه آن نیز ممکن است محصور شده باشد)؛ ولی یک شکل گستردگی نداشته و معمولاً کوچک است» (Sahasrabudhe, 2).

تقارن

«با توجه به قانون تقارن، «یک فرم تمایل به تقارن، تعادل و تناسب دارد. بسیاری از خطاهای باصره هندسی نمایانگر این قانون هستند». علاوه بر این، اشاره به این نکته نیز دارای اهمیت است که اگر عناصر شکل دارای چیدمان متقارن باشند، به احتمال زیاد به صورت گروه‌بندی‌شده‌های به نظر می‌رسند و محدوده‌های متقارن زمینه نیز تمایل دارند که خود را به صورت شکل به نمایش گذارند» (Pomerantz, 20-22).

قانون بستگی

قانون بستگی بدین صورت تعریف می‌شود که یک فرم باز تمایل دارد که به صورت یک فرم مشخص و به اصطلاح خوب تغییر کند؛ بنابراین، تعدادی دایره از نقاط ممکن است به صورت یک دایره بسته دیده شوند. قانون بستگی دو ویژگی دارد: اولاً اشکال و نواحی بسته به اشکال باز ارجحیت دارند و ثانیاً سیستم ادراکی یا نقاط باز را پر می‌کند و یا آن‌ها را به صورت فواصل بسته و اشکال بسته به نمایش می‌گذارد (همان، ۱۶). پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که «یک سطح بسته را ما زودتر به عنوان یک شکل می‌شناسیم تا یک سطح باز را» (گروتر، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵).

مجاورت

«طبق این اصل، اجزایی که به هم نزدیک‌ترند به عنوان یک مجموعه واحد و یا یک گروه دیده خواهند شد. نزدیکی عناصر بصری ساده‌ترین شرط برای با هم دیدن آن‌هاست؛ بر این اساس، جایی که عناصر یک ساختار بصری در آن واقع می‌شوند، اهمیت می‌یابد. چهار نوع عمده در گروه‌بندی براساس اصل مجاورت عبارت‌اند از:

- نزدیکی لبه‌ها: بر این اساس، هرچه اجزای یک

ساختار بصری به هم نزدیک‌تر باشند، بیشتر به عنوان یک گروه واحد دیده خواهند شد و این زمانی اتفاق می‌افتد که لبه‌های کناری اجزای یک ساختار کنار هم قرار بگیرند.

- تماس: ممکن است اجزای یک ساختار چنان به هم نزدیک شوند که با هم برخورد و همدیگر را لمس کنند؛ با این شرط که هنوز آن دو یا چند جزء بصری از یکدیگر قابل تشخیص باشند. در این صورت، گروه‌بندی مجاورت براساس تماس صورت می‌پذیرد.

- هم‌پوشانی: قوی‌ترین گشتالت زمانی رخ می‌دهد که عناصر یک ساختار بصری بدون اینکه هویت مستقل خود را از دست بدهند، یکدیگر را بپوشانند.
- تلفیق کردن: یکی دیگر از روش‌های به کارگیری اصل مجاورت، استفاده از یک عنصر خارجی برای گروه‌بندی عناصر متفاوت یک ساختار در کنار هم است. از معمول‌ترین روش‌های تلفیق کردن عناصر و المان‌های بصری، خط کشیدن زیر آن‌ها، محصور کردن آن‌ها در یک شکل و سایه روشن کردن آن‌ها است. در اینجا، به صورت تلفیقی از همه روش‌های بالا استفاده می‌شود. به طور کلی، عامل هم‌پوشانی، گشتالت‌های قوی‌تری نسبت به عوامل ذکر شده دیگر ارائه می‌دهد. عامل تماس و سپس عامل نزدیکی لبه‌ها در مرحله بعدی قرار می‌گیرند» (رضازاده، ۱۳۸۷: ۳۴).

شکل خوش

«در فرم‌های ناقص یا قطعانی از یک فرم میل در این است که به هنگام ادراک این فرم به صورت تصویری خوش‌فرم تکمیل شود. میل به خوش‌فرمی، یعنی با سعی بر تطابق کمبودها با نظام‌های شناخته‌شده تکامل (تقارن و ...) و یا نزدیک کردن شکل به فرم‌های معروف، نقایص شکل تکمیل می‌شوند» (گروتر، ۱۳۸۴: ۳۴).

اصل مشابهت

احجام، رنگ‌ها، روشنایی، جنس، بافت و ... دیده می‌شود (7, Carvalho).

ذهن برای گریز از سردرگمی که در نتیجه ورود اطلاعات بصری بسیار زیاد به داخل آن اتفاق می‌افتد، آن‌ها را ساده‌سازی می‌کند. گروه‌بندی اجزای مشابه در یک اثر بصری، یکی از راه‌های این ساده‌سازی است. چشم ما به صورت فطری عناصری را که ویژگی‌های مشابه دارند، به صورت یک مجموعه و یا یک گروه واحد می‌بیند. در مشابه پنداشته شدن اجزای یک اثر، عوامل زیادی دخالت می‌کنند؛ با این حال، مهم‌ترین انواع گروه‌بندی براساس اصل مشابهت سه عامل عمده اندازه و ابعاد، رنگ و شکل هستند. در اصل مشابهت، گروه‌بندی براساس ابعاد و اندازه عنصر غالب‌تری است؛ از این رو، گشتالت آن قویتر از گروه‌بندی رنگ و شکل است.

اصل فراپوشاندگی

طبق این اصل، در یک ساختار بصری گشتالت‌های کوچک‌تر تحت‌الشعاع گشتالت‌های بزرگ‌تر قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، گشتالت‌های بزرگ‌تر گشتالت‌های کوچک را می‌پوشانند. این اصل نشان می‌دهد که یک ساختار بصری در مجموع ممکن است از چندین گشتالت کوچک تشکیل شده باشد که زیرمجموعه‌هایی برای گشتالت‌های بزرگ‌تر محسوب شوند. پراگنانس این گشتالت بزرگ‌تر قوی‌تر از پراگنانس گشتالت‌های کوچک‌تر است (رضازاده، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۶).

اصل تداوم

«طبق اصل تداوم، محرک‌هایی که دارای طرح‌های وابسته به یکدیگرند، به صورت واحد ادراکی دریافت می‌شوند. این اصل دلالت بر این دارد که چشم انسان مایل است کنتورهای موجود در یک ساختار بصری را تا جایی که جهت نقش‌مایه‌ها تغییر نیافته و مانعی ایجاد نشده است، دنبال کند. بر این اساس، چشم ما طی یک فرایند فطری، به کنتورهای منفصل (جدا از هم) نامنظم و به صورت ناگهانی تغییرکننده استمرار می‌بخشد. در فرایند ادراکی ما، میل به تداوم و استمرار بخشیدن به کنتورهای ملایم یا منحنی بیشتر از کنتورهای صاف و شکسته است» (رضازاده، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۵). این قانون توضیحی است برای این مطلب که چگونه قسمت‌های مختلف یک موضوع بصری یکدیگر را در یک سازماندهی پرسپکتیووار، بدون ایجاد هیچ‌گونه شکست یا فاصله در خط سیر بصری، دنبال می‌کنند. امتداد خوب به تمایل اجزاء برای همراهی کردن یکدیگر نیز بستگی دارد. این تمایل در مواردی همچون نقاط، خطوط، سطوح،

گشتالت در باغ ایرانی

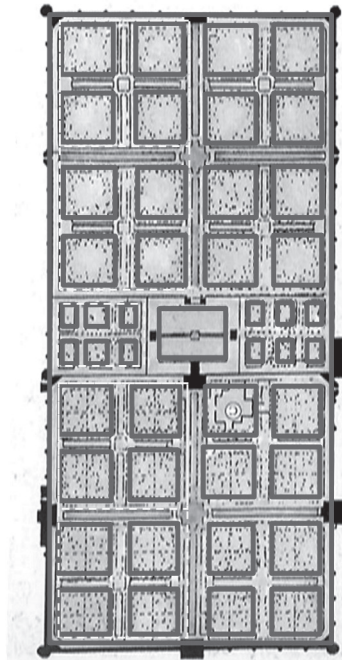
پس از بیان مبانی نظری و قوانین گشتالت، در این مرحله گشتالت و قوانین آن در باغ‌های کهن ایرانی را بررسی می‌کنیم. برای دستیابی به این هدف، چند باغ مهم و مشهور از چند دوره تاریخی را انتخاب کردیم که این قوانین را در طراحی آن‌ها ارزیابی می‌کنیم. در این پژوهش، به ترتیب باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی، بوستان کسری مربوط به دوره ساسانی (به‌عنوان اولین دوره باغ‌های چهارباغ)، باغ شالیمار از دوره مغول (به‌دلیل تداوم طراحی باغ ایرانی در این دوره در هندوستان و عدم وجود باغی با شرایط کامل طراحی دوره مغول در ایران) در لاهور هندوستان، باغ بلبل از دوره صفویه، گلشن طبس مربوط به دوره زندیه و شاهزاده ماهان از دوره قاجار را بررسی می‌کنیم.

بررسی تطبیقی اصول روابط شکل و زمینه،

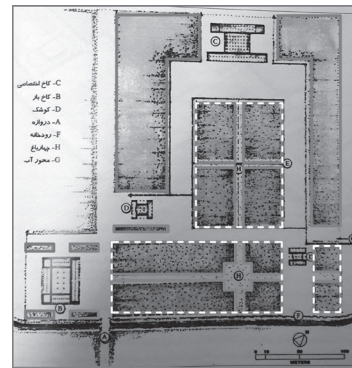
بستگی، مجاورت و مشابهت

در تصاویر ارائه‌شده (۱ تا ۶)، بررسی تطبیقی قوانین

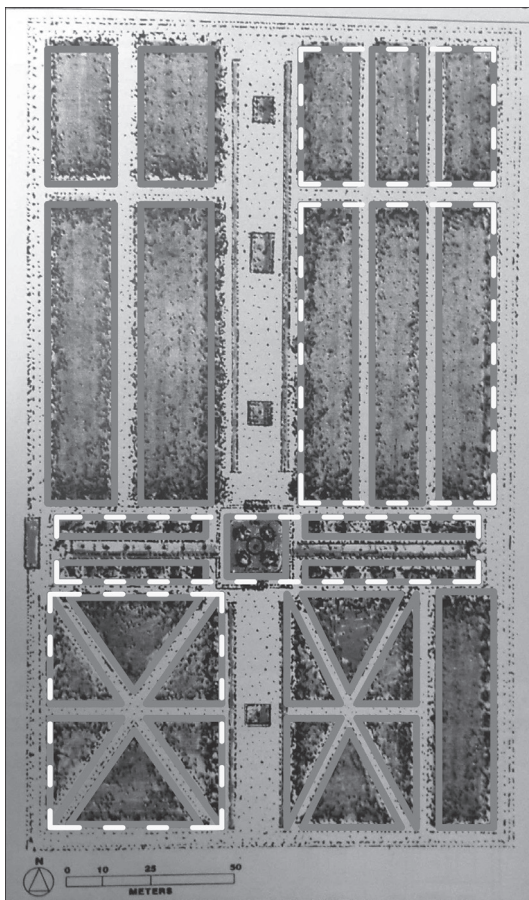
روابط شکل و زمینه، بستگی و شکل خوش را آشکارا می‌بینیم. قانون شکل و زمینه در پس توجه به شیوه طراحی باغچه‌ها قابل دریافت است (کرت‌ها و تقسیمات باغ به صورت شکل (خطوط قرمز رنگ پلان) و زمین اصلی باغ به عنوان زمینه دیده می‌شود)، قانون مجاورت و مشابهت سبب می‌شود که کرت‌هایی که به یکدیگر نزدیک‌تر هستند یا شباهت فرمی دارند، به صورت یک گروه ادراک شوند (خطوط زرد رنگ پلان) و قانون شکل خوش با نادیده گرفته شدن برش‌های ایجاد شده از عبور مسیرها و دیده شدن باغچه‌ها به شکل مربع و مستطیل (اشکال آشنا) خودنمایی می‌کند.



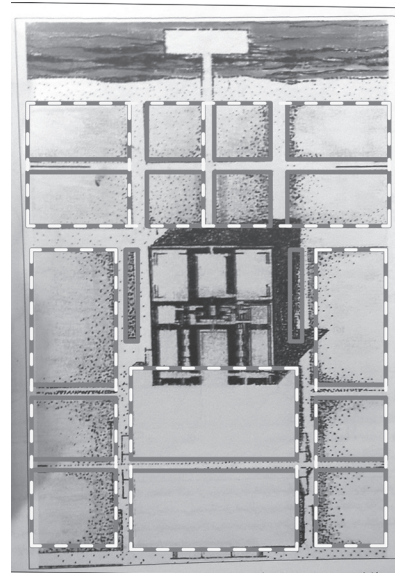
تصویر ۳: پلان باغ شالیمار لاهور، دوره مغول (نگارندگان با بهره‌گیری از مقتدر، ۱۳۸۵: ۱۱۹)



تصویر ۱: پلان باغ سلطنتی پاسارگاد، دوره هخامنشی (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۶)



تصویر ۴: پلان باغ بلبل، دوره صفویه (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۷۴)

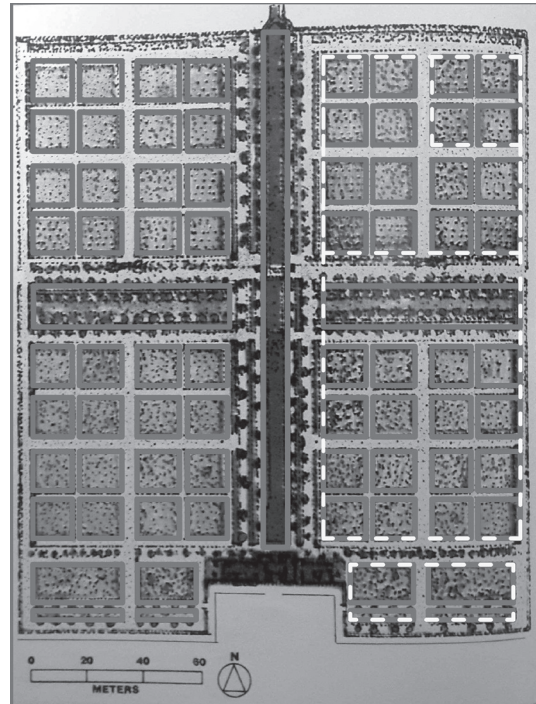


تصویر ۲: بوستان کسری، دوره ساسانی (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۱۲)

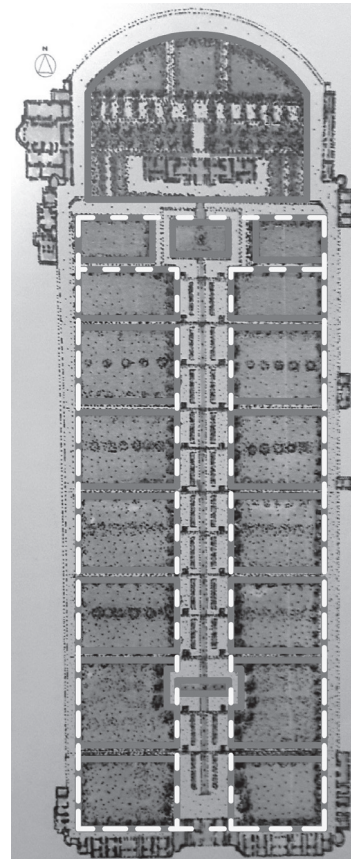
بررسی تطبیقی اصول شکل خوش، فراپوشاندگی و تداوم

در پلان‌های زیر، اصول شکل خوش، فراپوشاندگی، مجاورت و شباهت را بررسی می‌کنیم. همان‌طور که خواهیم دید، در ادراک پلان‌ها طبق قواعد گشتالت، ذهن انسان بریدگی‌های ایجادشده در اثر عبور مسیرها از میان کرت‌ها را به صورت تصاویر کامل مربع یا مستطیل ادراک میکند (اصل بستگی). کرت‌ها گشتالت‌های کوچکی هستند که تحت‌الشعاع گشتالت‌های بزرگ‌تر، یعنی مستطیل‌ها و مربع‌های بزرگ‌تر، قرار دارند (اصل فراپوشاندگی).

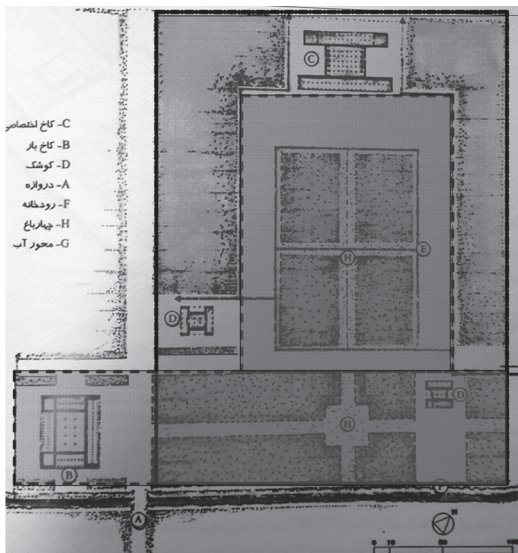
در تصاویر زیر، این گشتالت‌ها به صورت مرحله‌به‌مرحله توسط مربع‌های رنگی نمایش داده شده‌اند. همچنین، براساس قاعده تداوم (چشم انسان را تا جایی که نقش‌مایه‌ها تغییر نیافته‌اند و مانعی ایجاد نشده است، دنبال کند)، درختان موجود روی یک مسیر به صورت یک محور در باغ امتداد می‌یابند. این قاعده را توسط خطوط مشکی در پلان می‌بینیم.



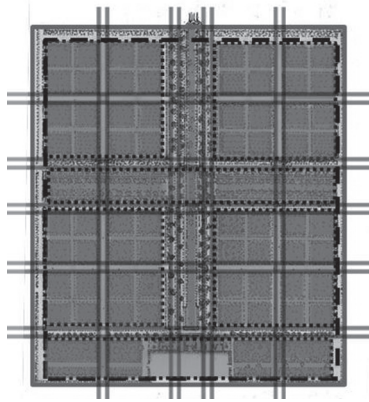
تصویر ۵: پلان باغ گلشن طیس، دوره زندیه (نگارندگان با بهره‌گیری از مقتدر، ۱۳۸۵: ۱۱۹)



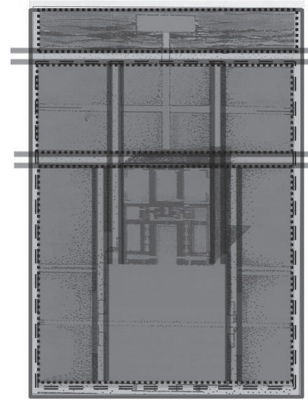
تصویر ۶: پلان باغ شاهزاده ماهان، دوره قاجار (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۱۷۲)



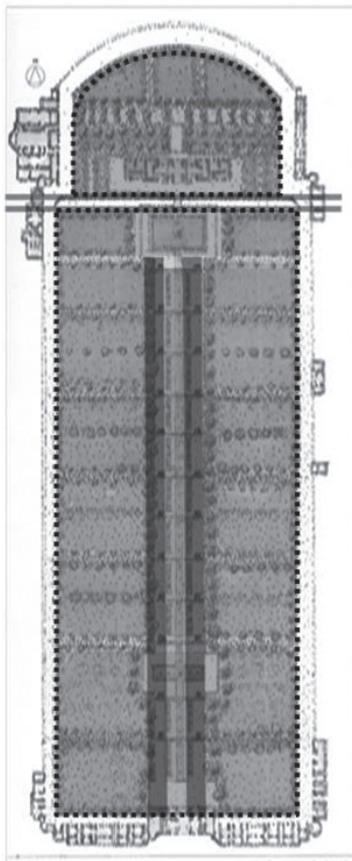
تصویر ۷: پلان باغ سلطنتی پاسارگاد، دوره هخامنشی (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۶)



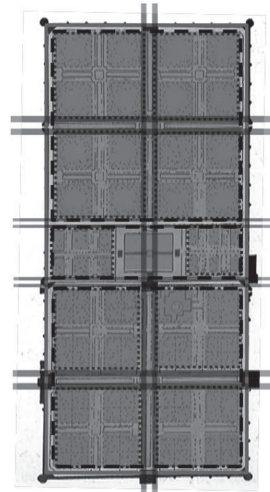
تصویر ۱۱: پلان باغ گلشن طبس، دوره زندیه (نگارندگان با بهره‌گیری از مقتدر، ۱۳۸۵: ۱۱۹)



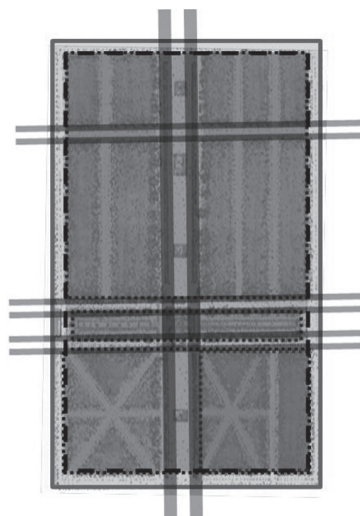
تصویر ۸: بوستان کسری، دوره ساسانی (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۱۲)



تصویر ۹: پلان باغ شالیمار لاهور، دوره مغول (نگارندگان با بهره‌گیری از مقتدر، ۱۳۸۵: ۱۱۹)



تصویر ۱۲: پلان باغ شاهزاده ماهان، دوره قاجار (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۱۷۲)



تصویر ۱۰: پلان باغ بابل، دوره صفوی (نگارندگان با بهره‌گیری از نعیم، ۱۳۸۵: ۷۴)

جدول ۱: بررسی تطبیقی میزان ضعف و قوت حضور قوانین گشتالت در باغ ایرانی (منبع: نگارندگان)

فراپوشاندگی	تقارن	بستگی	تداوم	شکل خوش	قوانین گشتالت							شکل و زمینه	دوره تاریخی	پلان باغ
					گروه‌بندی									
					مجاورت			مشابهت						
					تلفیق	همپوشانی	تماس	نزدیکی لبه	شکل	رنگ	ابعاد			
(۲)	(۱)	(۳)	(۰)	(۲)	(۱)	(۱)	(۰)	(۰)	(۲)	(۱)	(۲)	(۳)	هخامنشی	باغ پاسارگاد
(۴)	(۵)	(۴)	(۱)	(۵)	(۱)	(۱)	(۰)	(۲)	(۳)	(۱)	(۳)	(۴)	ساسانی	بوستان کسری
(۵)	(۵)	(۵)	(۴)	(۵)	(۴)	(۴)	(۰)	(۵)	(۵)	(۱)	(۵)	(۵)	مغول	شالیمار
(۵)	(۳)	(۴)	(۴)	(۵)	(۳)	(۳)	(۰)	(۵)	(۵)	(۱)	(۵)	(۵)	صفویه	باغ بلبل
(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۵)	(۰)	(۵)	(۵)	(۱)	(۵)	(۵)	زندیه	گلشن طبس
(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۵)	(۴)	(۴)	(۰)	(۴)	(۵)	(۱)	(۵)	(۵)	قاجار	شاهزاده ماهان

نتیجه

با بررسی قوانین مکتب روان‌شناسی گشتالت، جنبه‌هایی نهان در طراحی پلان باغ ایرانی قابل دریافت است که در زمانی بسیار دور از زمان تولد مکتب گشتالت در باغ ایرانی رایج بوده‌اند. در این

نوشتار، از میان این جنبه‌ها قوانین شکل و زمینه، تقارن، شباهت، بستگی و ... را بررسی کردیم و نتیجه گرفتیم که تمام این قوانین به‌نوعی در طراحی پلان باغ ایرانی وجود دارند و بر اثر همین قوانین، پلان باغ ایرانی فرمی خوانا و آشنا با ذهن فرد به خود می‌گیرد. در ادامه، برای بهتر مشخص شدن این قوانین و دریافت سریع‌تر آن‌ها براساس نام باغ‌ها و براساس دوره تاریخی، جدولی ارائه می‌کنیم که در آن میزان حضور هریک از این قوانین را با شماره‌های از ۰ تا ۵

درجه‌بندی کرده‌ایم. عدد ۰ نمایانگر حضور کم‌رنگ آن قانون در باغ مورد نظر است و هرچه عدد بیشتر شود، نماد بیشتر بودن قوت آن قانون در باغ خواهد بود.

با بررسی جدول، نتیجه می‌گیریم که با پیش رفتن در تاریخ، حضور قوانین گشتالت در طراحی پلان باغ ایرانی (حداقل در باغ‌های مورد بررسی) آشکارتر می‌شود؛ مثلاً استفاده از قوانین مشابهت و شکل و زمینه در باغ‌های مربوط به دوره‌های متأخرتر بیشتر است و نکته جالب در این بین، مطرح نبودن مکتب روان‌شناسی گشتالت در عصر طراحی این باغ‌ها در ایران است.

منابع

- برقعی، الهام، (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی گشتالت*، سایت پژوهشکده‌ی باقرالعلوم، تاریخ دسترسی: ۱۳۸۸/۴/۱۲
<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=32030>
- رضازاده، طاهر، (۱۳۸۷)، «کاربرد نظریه‌ی گشتالت در هنر و طراحی»، *آینه‌ی خیال*، ش ۹، صص ۳۱ تا ۳۷.
- شهیدی، محمدشریف؛ بمانینان، محمدرضا و مهزاد یالپانین، (۱۳۸۷)، «نقش پژوهش در فرایند آموزش طراحی معماری»، *نشریه‌ی هویت شهر*، س ۲، ش ۲، صص ۸۱-۹۲.
- گروتر، یورگ، (۱۳۸۴)، *زیباشناختی در معماری*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- Carvalho, Grazielle Anjos, *Applying gestalt theories and graphical semiology as visual reading systems supporting thematic cartography*, access date: 2011/4/15
http://www.arq.ufmg.br/SiteLabGeo/Laboratorio_Geo/Artigos/ICC_20_4.pdf
- Miller, William, 2011, *Course Syllabus of architectural theory and criticism*, pages: 1-5, access date: 2011/3/11
<http://faculty.arch.utah.edu/miller/4270Syllabus.pdf>
- Pomerantz, James R. Kubovy, Michael, *Theoretical approaches to perceptual organization*. Chapter 36, access date: 2011/4/16
<http://cvcl.mit.edu/SUNSeminar/PomerantzPerceptualOrganization.pdf>
- Sahasrabudhe, Sameer, *Survey of Design Principles for eLearning*, access date: 2011/3/9.
<http://www.it.iitb.ac.in/~s1000brains/rswork/dokuwiki/media/taxonomyplan.odp>

منابع تصویرها و شکل‌ها

- نعیم، غلامرضا، (۱۳۸۵)، *باغ‌های ایران*، پیام، تهران.
- مقتدر، محمدرضا؛ خوانساری، مهدی و مینوش یوری، (۱۳۸۳)، *باغ ایرانی بازتابی از بهشت*، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.